

■ اون بی نہایتی کہ دنبالشیم، چیه،

کجاست وچه ویژگی های داره؟



■ چرا ما بی نہایت طلبیم؛ ویژگی های بی نہایتی کہ دنبالشیم چیه؟

یادتونہ گفتیم کہ چون اصل وجودمون بی نہایتہ، ہیچ وقت بہ ہیچ چی راضی نمی شیم و ہمہ اش دنبال یہ چیز بالاتریم؟ یعنی یہ جورایی این میل بہ بی نہایت رو تو خودمون حس می کنیم و ہمہ اش دنبالشیم؟

اگہ میریم دنبال علم، تا چندتا دکترا نگیریم و برندہ ی جایزہ ی نوبل نشیم، ول کن ماجرا نیستیم!

اگہ دنبال پول میریم، بہ چندتا خونہ و ویلا و ماشین رضایت نمیدیم و ہی می خوایم ثروتمون رو بیشتر کنیم.

دنبال اینیم کہ قیافہ مون از ہمہ بہتر باشہ، ہیکلمون ہیچ عیب و نقصی نداشتہ باشہ و تو قدرت حرف اول رو بزیم.

■ اما به محض اینکه به هرکدومشون نزدیک بشیم، می بینیم ای بابا این اون چیزی نبود که دلم می خواست و این همه هم دنبالش دویدم!

حالا می خوایم ببینیم که خداییش این بی نهایت چیه که ما انقدر دنبالشیم؟ اصلاً چیزی به اسم بی نهایت تو عالم وجود داره که ما بخوایم به سمتش بریم؟ این بی نهایتی که دنبالشیم و می خوایمش، چه ویژگی هایی داره و چه جوریه؟

هولووینا

## ■ خدا واقعاً وجود داره؟



QR کد را اسکن کنید.



## ■ اصلاً این بی نهایت چیه که انقدر ارزش می گیم؟

■ می دونین کلاً تو این عالم دو مدل بی نهایت هست. یه سری چیزها هستن که باینکه الان بی نهایت نیستن و محدودن، ولی خوب استعداد بی نهایت شدن دارن! مثلاً یه دونه سیب با اینکه الان فقط یه دونه ست، اما می تونه یه درخت بشه، یه باغ باشه و همین جوری تا بی نهایت ارزش سیب درست بشه که البته ما با این مدل از بی نهایت الان کاری نداریم.



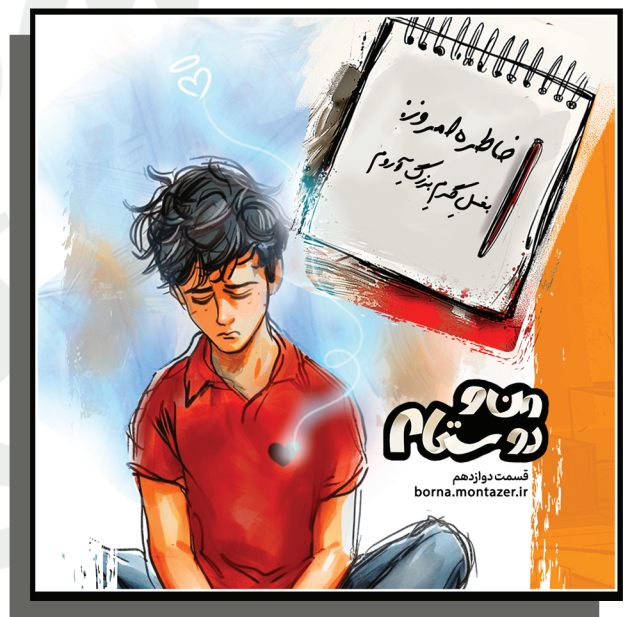
■ ولی یہ جور بی نہایت ہم داریم کہ ہمیں الآن ہم بی نہایتہ و هیچ محدودیتی ہم نداره. اصلاً بی نہایت بودنش رو می تونیم همه جا ببینیم. راستش رو بخواین ما وقتی داریم از بی نہایت حرف می زنیم، منظورمون این بی نہایتہ!

اما همه‌ی اینا به کنار، می خوایم ببینیم بی نہایتی که دنبالشیم و می خوایمیش! اصلاً واقعاً هست و وجود داره؟ چه شکلیه؟ چه جوریه؟ ویژگی هاش چیه که ما از همون بچگی تا وقتی داریم می میریم، دست از سرش برنمی داریم و انقدر عاشقشیم؟

دوستم

شده دلت بگیره و دنبال یہ نقطه‌ی روشن بگردی واسه آرام کردن خودت؟

اون نقطه‌ی روشن اسمش چیه؟



QR کد را اسکن کنید.

## ■ ویژگی‌های موجود بی‌نهایت

### ■ «وجود داره»

اول از همه باید بگیم که طبق قانون‌های خواستن و آرزو کردن که تو مقاله‌ی «فرمول‌های رسیدن به آرزو» باهم راجع بهشون حرف زدیم، این موجود بی‌نهایتی که دنبالشیم و هی واسه رسیدن بهش این در و اون در می‌زنیم، حتماً وجود داره. تازه بماند که طبق همون قانونا اگه می‌خوایمش؛ یعنی علاوه بر اینکه حتماً هست، ما می‌شناسیمش و تجربه‌ی بودن باهاشو داشتیم، به جورایی از جنس خودشیم که می‌خوایمش، تازه حتماً به بخشی از خودمونم بی‌نهایتی که ظرفیت خواستن همچین موجودی روداریم.

### ■ «محدود نیست»

از طرف دیگه معلومه که این موجود بی‌نهایت محدود هم نمیتونه باشه؛ چون اگه حد و مرز داشته باشه که دیگه بی‌نهایت نمیشه. آخه اصلاً با عقل جور در نیاد که چیزی که بی‌نهایتی خاصیت چیزای محدود رو هم داشته باشه؛ به خاطر همینم مرز نداره، زمان نداره، جا و مکان و جسم هم نداره چون همه‌ی اینا محدودش می‌کنن و جلوی بی‌نهایت بودنش رو می‌گیرن. تازه همه ویژگی‌هاشم باید باهم ویه جا بی‌نهایت باشن؛ چون اگه قرار باشه هرکدومشون ساز خودشون رو بزنن و واسه‌ی خودشون بی‌نهایت بشن، اون جور چندان بی‌نهایت داریم که خب دوباره به جورایی میرن تو پر و بال هم دیگه.

## ■ «فقط یکیه»

قبول دارین هیچ عقل سالمی نمی تونه قبول کنه که بی نهایت دوتا یا چندتا باشه؟ آخه اگه دوتا بی نهایت داشته باشیم، بالاخره یه جایی باید مرز اولی معلوم باشه تا بفهمیم دومی از کجا شروع میشه دیگه! اون وقت با این مرزبندی ها جفتشون هم دیگه رو محدود می کنن و معلومه که دیگه بی نهایت نیستن. تازه اگه اولی بی نهایت باشه که دیگه جایی واسه دومی باقی نمی مونه! آخه اولی قبلش همه جا رو پر کرده!

## دوستی

میدونستی بعضی از ملتها بودن، شاید هنوزم هستن البته، که چندتا خدا دارن!  
فکر کن بین خداهشون جنگم بشه!  
خنده دار نیست؟



QR کد را اسکن کنید.



## «علت وجود بقیہ ست» ■

می دونین چیہ؟ این موجود بی نہایت باید همون چیزی باشہ کہ بقیہی چیزا رو بہ وجود آورده؛ آخہ اگہ این جوری نباشہ، لازم دارہ یہ چیزی بیاد خودش رو بہ وجود بیارہ؛ پس کلاً دوتا راہ بیش تر وجود ندارہ، یا خودش علت وجود بقیہ چیزا باشہ یا یہ چیزی اون رو بہ وجود آورده باشہ. کہ دومی کلاً منتفیہ. حالا چرا؟ خب چون چیزی کہ وجود دارہ کہ نمی تونہ از چیزی کہ وجود ندارہ درست بشہ. اگر ہم یہ چیزی کہ خودش از قبل وجود دارہ بہ وجود بیارتش کہ این جوری این بی نہایت ما بہ یہ چیزی بیرون از خودش نیاز دارہ؛ یعنی باز محدود میشہ و دیگہ بی نہایت نیست.

حالا یہ بار استپ کن ہمین جا و اول ویدئوی کھکشان درون رو ببین کہ ذہنت هنگ نکنہ وسط این ہمہ مفہوم فلسفی عمیق؛ بعد ادامہ بدہ!

با جناب بی نہایت  
آشنا شو!

کھکشان درون  
borna.montazer.ir

کھکشان  
درون

QR کد را اسکن کنید.



## اسم این موجود بی نہایت

■ پس، از این موجود بی نہایتی کہ دنبالشیم و داریم ازش حرف می زنیم، یہ دونہ بیشتر تو دنیا نیست. چون آگہ بیشتر از یہ دونہ باشہ، دیگہ محدود میشہ و نمیشہ بہش بی نہایت گفت. خیلی ہم فرقی نمی کنہ اسمشو چی می داریم؛ یعنی می دونین، ممکنہ ہرکسی یہ چیزی صداش کنہ! مہم اینہ کہ ہم وجود دارہ، ہم ہمہ ویژگی ہا رو یہ جا باہم دارہ، تازہ ہمہ چیز رو ہم خودش بہ وجود آورده.

راستی این چیزایی کہ گفتیم، بہ نظرتون آشنا نیست؟ آخہ ما تو دنیا فقط یہ موجود با این ویژگی ہا داریم! این چیزایی کہ بہشون رسیدیم، ہمہ شون ویژگی ہا خدا نبودن؟ اینکہ یہ دونہ ست، وجود دارہ، ہیچی محدودش نمی کنہ، ہمہ چیزو خودش بہ وجود آورده.

فکر کنم یواش یواش ہمہ چی دارہ واسمون جا میفتہ، نہ؟ یعنی کم کم داریم می فہمیم کہ چرا انقدر دنبال این موجود بی نہایتیم و می خوایمش. تازہ نہ فقط ما کہ ہمہ آدمای دنیا دنبال رسیدن بہش! پس این موجود بی نہایتی کہ ما یہ عمریہ دنبالشیم و بہ ہر دری می زنیم کہ بہش برسیم، ہمون خداست و خودمون خبر نداشتیم!

QR کد را اسکن کنید.

